

آن دست و پنجه نرم میکنند را هرچه بیشتر در مقابل جامعه قرار دهند و از طرف دیگر تلاش میکنند برای تغییر و لغو هر نوع نابرابری این نیروی عظیم را به میدان بیاورند و سازمان دهند. سازمان آزادی زن بعنوان سازمانی با شعار ستم بر زن موقوف، بیش از 5 سال است سازمان یافته و در امر آزادی زن در ایران مبارزه و تلاش کرده است. تلاش کرده است تا زنان بتوانند در ابعاد و اشکال مختلف نه تنها ابراز وجود کنند بلکه سازماندهی جنبش برای آزادی زن را در اولویت خود گذاشته است.

باید امروز به پدیده خودسوزی و خودکشی چنین نگریست و این پدیده را در مقابل فعالین زنان و جامعه گذاشت. اگرچه جامعه اسلام زده ایران با قوانین اسلامی و مردسالارانه عرصه را برای ابراز وجود زنان تنگ کرده است. اگر قوانین ضد زن جمهوری اسلامی را ضریب مصائب و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کنیم، ضریب ستمهای عقب مانده و ارتجاعی کنیم، ضریب سرکوب عریان کنیم و ضریب میدان ندادن به جنبش آزادی زن کنیم، باید چنین عواقبی را نیز انتظار داشته باشیم. برای بهبود این شرایط، برای تغییر، برای یک دنیا بهتر، برای دنیایی که در آن نابرابری نباشد، برای دنیایی که در آن عشق معنا داشته باشد و دوست داشتن معنای زندگی باشد تلاش می‌کنیم. سازمان آزادی زن سعی میکند نه تنها صدای میلیونها زنی باشد که تحت بدترین و ارتجاعی ترین قوانین مذهبی قرار گرفته اند بلکه

ادامه در صفحه ۳

اخبار خودکشی و خودسوزی در ایران هر روز ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد



نسرین رضاعلی

خودسوزی آنها را به معضل جامعه تبدیل کنند. راههای مقابله و کاهش خودکشی و خودسوزی را بتوانند با آگاهی و متشکل کردن زنان و گرد آوردن آنها حول خواسته‌های برحقشان و مبارزه علیه قوانین مردسالارانه و سنتهای ارتجاعی وارد فاز جدیدی بکنند. فعالین جنبش زنان در این استانها از حمایت کمتری برخوردارند.

در استان ایلام آمار خودکشی بالاتر از آمار اعلام شده است. یکی از راههای کم کردن این معضل و وضعیت اسفبار حضور فعالتر زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. رژیم جمهوری اسلامی در راس این بی قانونی، تبعیض و نابرابری قرار گرفته است. و فعالین باید اقدامات خود را حول تعرض به قوانین ارتجاعی اسلامی سازمان دهند. فعالین جنبش آزادی زن از یک طرف با منعکس کردن اخبار خودکشی‌ها و خودسوزی‌ها موقعیت و وضعیت زنان را در جامعه ایران را به تصویر بکشند، موانع و مشکلاتی که زنان در ایران با

آمار خودکشی‌ها و خودسوزی‌ها نشان میدهد که بخش بزرگی از کسانی که اقدام به خودکشی می‌کنند زنان هستند. خودکشی و خودسوزی به معضلی در جامعه ایران تبدیل شده و آمار آنها در میان زنان ابعادی تازه به خود گرفته است. طبقه گفته وزارت بهداشت رژیم به نسبت هر 100 هزار نفر 3 زن و 1 مرد اقدام به خودکشی میکنند. رایجترین نوع پایان دادن به زندگی در میان زنان خودسوزی است که در استانهای گلستان، ایلام و کردستان بالاترین آمار در ایران را دارد. مسئله خودسوزی و خودکشی بخشی از جنبش دفاع از حقوق زنان را به خود اختصاص داده است. این آمار در استانهای مرکزی ظاهراً کمتر است.

اما فعالین جنبش آزادی زن در نوشته‌ها و گزارشات مختلف اعلام کرده اند که آمار واقعی خیلی فراتر از آمار دولتی است. در روستاها و استانهای مرزی آماری در دست نیست و خودکشی‌ها ثبت نمیشود. عدم حضور فعالینی که بیشتر به مشکلات زنان بپردازند و در عین حال عقب ماندگی فرهنگی، سنتهای مردسالارانه و قوانین ضد زن در این استانها باعث میشود که خبر در حیطه روستا و یا خانواده باقی بماند. فعالین جنبش آزادی زن تلاش دارند در کنار دهها عرصه از فعالیت‌های خود با منعکس کردن این اخبار معضل زنان و خودکشی و

در این شماره:

خودکشی و خودسوزی زنان در ایران

۱ نسرین رضاعلی

مصاحبه با پروین کابلی دبیر اجرایی سازمان آزادی زن در مورد فستیوال همجنسگرایان در شهر گوتنبرگ سوئد

۲ زنگهای خطر را به صدا در آوریم

۴ شهلا نوری

۵ میزگرد شراره نوری

۷ اخبار این هفته

۸ هنوز در زندان است

۸ اطلاعیه سازمان آزادی زن

مصاحبه با پروین کابلی دبیر اجرایی سازمان آزادی زن در مورد فستیوال همجنسگرایان در شهر گوتنبرگ سوئد



پروین کابلی

برملا شدن در خانواده از طرف دیگر بود. گفتم که این از اولین معضلاتی است که این گروه زنان از آن رنج میبرند. مسئله دیگر بی اطلاعی در مورد گرایش جنسی خود است. یعنی اینکه نمی‌دانند که همجنسگرا هستند هم مشکل دیگری در میان آنها است. اغلب بدلیل عدم اطلاع کافی دچار افسردگی میشوند. تعدادی حتی دست به خودکشی میزنند که آمار در مورد خودکشی آنها وجود ندارد. چون کسی علت افسردگی آنها را نمیداند.

تعدادی از زنان همجنسگرا در شهرهای بزرگتر مثل تهران از آزادی عمل بیشتری برخوردارند. کنترل خانواده بر آنها کمتر است. اینها از طرق مختلف همدیگر را میشناسند و گاهی در کافه‌ها و یا مهمانی‌ها همدیگر را ملاقات میکنند. این شبکه‌های زیر زمینی دو جنبه دارد از یک طرف اینها میتوانند همدیگر را ملاقات، اطلاعات بیشتری از خود و دیگران کسب و از همدیگر حمایت کنند. اما یک جنبه دیگر این شبکه‌ها وجود خشونت در آنها است. پیش آمده است که دختران جوان و کم تجربه مورد خشونت و حتی تجاوز قرار میگیرند.

ادامه در صفحه ۳

روزهای 1 تا 3 ژوئن 2007 همزمان دو فستیوال در مورد همجنسگرایان در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار گردید. در این دو فستیوال زنان همجنسگرا و حقوق همجنسگرایان به تفصیل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. پروین کابلی در سمیناری در مورد زنان همجنسگرا در ایران، صحبت نمود. همچنین به دعوت برگزار کنندگان فستیوال، روز سوم ژوئن در یک بحث کارشناسی شرکت کرد. در این مورد مصاحبه ای با پروین کابلی داریم.

و حقوق پناهندگی قبلا در دو مورد با زنان همجنسگرا و پرونده آنها همکاری کرده بودم. اما اینکه اینها چه موقعیتی دارند و در جمهوری اسلامی ایران بر آنها چه میگذرد اطلاعات زیادی نداشتیم. وقتی که تصمیم گرفتم که خودم سمینار را به پیش ببرم شروع به تحقیق و جمع آوری اسنادی در مورد آنها کردم. به سایت‌های زیادی سر زدم و تماسهایی را که در ایران داشتم فعال کردم. آنچه که در این پروسه برای من قابل توجه بود این بود که علیرغم اینکه میدانستم زنان همجنسگرا باید به دلیل زن بودنشان دچار مشکلات بیشتری باشند، ولی واقعیت بسیار تکان دهنده بود. حتی در سایت‌هایی که در مورد همجنسگرایان ایرانی تبار صحبت میکند، اطلاعات در مورد زنان بسیار کم است. انگار آنها وجود خارجی ندارند. من در اول این سمینار به این موضوع اشاره کردم. گفتم که خود زن بودن در ایران جرم است و همجنسگرایی جرم بسیار بزرگتر و نا بخشودنی‌تری میباشد. در مورد قوانین جمهوری اسلامی در مورد همجنسگرایان صحبت کردم. خوشبختانه این قوانین به زبان انگلیسی وجود داشت که آن را در میان شرکت کنندگان پخش کردم.

آنچه که بیشتر به آن اشاره نمودم شرایط بسیار اسفبار زنان همجنسگرا، ترس از قانون و اعدام از یکطرف و ترس از

تری بود و از طرف سازمان‌های مختلف همجنسگرا و موسسات مختلف برگزار شد، اولین بار بود که در گوتنبرگ برگزار میگردید. هدف آن تاثیر بر افکار عمومی و نشان دادن وضعیت همجنسگرایان در این کشور بود. لازم به توضیح است که شهر گوتنبرگ از شهرهایی است که همجنسگرایان در آن مشکلات اجتماعی زیادی دارند. یکی از این مشکلات بطور مثال خشونت علیه آنهاست. تاکنون دو نفر از آنها بوسیله افراد نژاد پرست و واپسگرا کشته شده‌اند. به این لحاظ برگزاری این فستیوال از اهمیت زیادی برخوردار بود. روزنامه‌ها و تلویزیون منطقه اطلاعات وسیعی در مورد این فستیوال، مثلا برگزاری سمینارهای مختلف، تاتر، جشن، نمایشگاه و غیره را در اختیار مردم قرار دادند. در روز آخر این فستیوال هم بحثی کارشناسانه در مورد وضعیت پناهندگان همجنسگرا برگزار گردید که من هم به عنوان فعال حقوق بشر دعوت شده و در آن شرکت کردم.

آزادی زن: در مورد سمینار اول فستیوال زنان همجنسگرا توضیح دهید؟ چه بحثی شد و شما چه گفتید؟

پروین کابلی: مسئله ای را باید قبل از هر چیزی بگویم. من در طول فعالیتهایم برای حقوق زنان

آزادی زن: قبل از هر سوالی لطفا در مورد این دو فستیوال که همزمان در گوتنبرگ برگزار گردید توضیح دهید؟

پروین کابلی: روزهای اول تا سوم ژوئن دو فستیوال همزمان در شهر گوتنبرگ برگزار گردید. فستیوال اول را زنان فعال همجنسگرا برگزار کردند و این پنجمین سالی بود که این فستیوال برگزار میگردید. ما در سالهای قبل با این گروه همکاری‌هایی داشته ایم و به این معنا ما را میشناسند. سال 2004 من جزو سخنرانان روز آخر فستیوال در مرکز شهر بودم. امسال هم از همان ابتدا با ما تماس گرفتند. تم امسال فستیوال موقعیت زنان همجنسگرا (لزبین) در کشورهای مختلف بود. مثلا از آمریکای لاتین و تاجیکستان سخنران داشتم.

سازمان آزادی زن تصمیم گرفت که با فعالین همجنسگرای ایرانی تماس بگیرد و کسانی را برای سمیناری در مورد ایران دعوت نماید. ما تماسهایی گرفتیم که متأسفانه موفق نشدیم کسی را برای سمینار به سوئد دعوت کنیم. دوستان برگزار کننده در نتیجه از من خواستند که خود من شرکت کنم و در این مورد اطلاعاتی را در اختیار شرکت کنندگان قرار دهم. به همین جهت من در این فستیوال سمیناری با عنوان مذهب، همجنسگرایی و حقوق بشر داشتم. فستیوال دوم که فستیوال بسیار بزرگتر و گسترده

به سازمان آزادی زن پیوندید

ادامه

مصاحبه با پروین کابلی ...

از صفحه ۲

از آنجائیکه که رابطه ای مخفی دارند جرئت بیرون آمدن از این روابط را ندارند. مشکل دیگر زنان همجنسگرا ازدواج با مردان است. بسیاری از آنها سرنوشت بسیار غم انگیزی دارند و حتی صاحب فرزندان هم میشوند. بفرمایید آنها در رابطه‌ای زندگی میکنند که در هر لحظه آن، آرزوی مرگ میکنند. تعدادی از این زنان یا به خانه پدرشان برگردانده میشوند چون نمیتوانند جوابگوی نیازهای همسرشان باشند و تعدادی هم خودشان طلاق میگیرند. این بطور مختصر مقداری از صحبت‌های من در این سمینار بود.

در این سمینار تاکید کردم که هیچ تلاشی برای تغییر این وضعیت امکان ندارد مگر اینکه جمهوری اسلامی سرنگون شود و حکومتی براساس احترام به انسان در ایران برقرار شود. چرا که رژیم‌هایی که در حال حاضر بر اساس قوانین شریعت اسلام در ایران حکومت میکنند، خود یکی از مهمترین عوامل خشونت بر انسانها است.

آزادی زن: اینکه هر تغییر جدی در زندگی انسانها در ایران رابط مستقیمی به حکومت دارد شکی نیست، ولی آیا فکر میکنید که با آمدن یک حکومت دیگر مردم قبول خواهند کرد که زنان و یا مردان همجنسگرا علنی در مورد گرایش جنسی خود صحبت کنند و یا مثل خیلی از کشورها تمام حقوق شهروندی به آنها تعلق بگـیرد؟

پروین کابلی: مسئله حکومت دیگری که شما به آن اشاره می‌کنید خیلی نامفهوم است. هر تغییری در حکومت و یا هر سیستم حکومتی دیگر الزاما این کار را نخواهد کرد. اگر حکومتی در ایران شکل بگیرد که مثلا اعلام کند که مذهب رسمی مردم در ایران اسلام است آنوقت همان مشکلی را خواهیم داشت که

امروز داریم. در نتیجه تنها در حکومتی که مذهب امر شخصی است و دست مذهب از دخالت در زندگی مردم کوتاه است و رابطه جنسی و بقول شما گرایش جنسی انسانهای بزرگسال تا آنجائی که خودشان در مورد آن تصمیم میگیرند امر خودشان خواهد بود. در این صورت امکان تغییر در موقعیت اجتماعی و حقوقی همه وجود خواهد داشت. آنوقت میشود قوانین حاکم بر انسان را حقوق برابر انسانها تعریف کرد. در مورد اینکه مردم قبول خواهند کرد یا نه، راستش این را من میفهمم که هم اکنون پذیرش آن برای بسیاری مشکل است. دلیل این امر هم تبلیغات و رشد جهل و خرافه‌ای است که جمهوری اسلامی و همه دم و دستگاه حکومتی در ایران دارد شبانه روز به آن می‌پردازد. وقتی در جامعه‌ای آزاد و برابر مسائل جنسی بزرگسالان امر خودشان باشد، طبیعا پذیرش آن از طرف مردم، اگرچه احتیاج به زمان و آموزش دارد، کار غیرممکنی نخواهد بود. هم اکنون در غرب علیرغم همه قوانین، کلیسا یکی از مخالفین جدی همجنسگرایان است و پاپ مدام آنها را تقبیح میکند.

آزادی زن: سوال آخرم در رابطه با همین فستیوال است. شما در یک بحث کارشناسی هم شرکت کردید. در این مورد هم مقداری برای خوانندگان توضیح دهید؟

پروین کابلی: این بحث در روز آخر برگزار گردید و من بعنوان فعال حقوق بشر در آنجا دعوت بودم. در مورد حقوق پناهندگی و

مطالعه آزادی زن را به دوستانتان نیز توصیه کنید!

اخبار خودکشی و ...

از صفحه ۱

تلاش میکند جنبش آزادی زن را به جنبشی تبدیل کند که رسماً اعلام میکند، کمترین بهبود در شرایط زندگی زنان ایران تنها با نابودی و سرنگوی رژیم غیر انسانی جمهوری اسلامی ممکن و مقدرو است. جنبش آزادی زن باید وسیعا علیه رژیم جمهوری اسلامی به میدان بیاید. به گزارش زیر در مورد سیران و چند گزارش دیگر در اخبار این هفته نشریه توجه فرمائید. سیران نوجوانی است که در یک خانواده بشدت فقیر متولد شده است. پدرش برای نجات دخترش از فقر و گرسنگی وی را برخلاف میل سیران به عقد مردی درمی‌آورد که تنها شانس وی برای یک زندگی با هر دختری ثروت خانواده اش است. خانواده این مرد، که به لحاظ روحی مشکلات جدی دارد، برای معالجه وی برایش سیران را به همسری برمیگزینند! سیران بعد از مدت کوتاهی متوجه میشود که این مرد از تعادل روحی برخوردار نیست، به قصد طلاق به خانه پدرش برمیگردد. اما خانواده سیران وی را مجدداً به خانه همسرش پس میفرستند.

سیران که نه قانون را در حمایت از خود مبیند و نه خانواده را، راهی جز پایان دادن به زندگی خود نمی‌یابد. سیران بر روی خود نفت میریزد و خود را می‌سوزاند و به زندگی خود، که بجز تحقیر، فقر، بی حقوقی و نابرابری چیزی نبود، و سرانجام نیز برای معالجه یک بیمار آلت دست و مورد سوء استفاده قرار گرفت، پایان میدهد و این چنین فریاد خود و زنان ایران را به گوش جهانیان میرساند.

فراریان از کشورهای مثل ایران صحبت شد. غیر از من پنج نفر دیگر از نماینده احزاب و سازمانهای همجنسگرایان در این بحث شرکت کرده بودند. اتفاقاً یکی از این افراد کسی بود که همراه با دو نفر دیگر، همان روز مقاله‌ای را با عنوان **سوئد همجنسگرایان را به جهنم ایران باز میگرداند** در روزنامه صبح گوتنبرگ به چاپ رسانده بود. حضور ایشان که از فعالین سازمان همجنسگرایان سوئد بود به همراه من و یک مرد همجنسگرای ایرانی در بحث بخش زیادی از جلسه را به موقعیت این گروه در ایران اختصاص داد و اطلاعات خوبی در مورد وضعیت ایران به شرکت کنندگان در جلسه داده شد.

به ویژه نویسنده مقاله مورد بحث، چند سال پیش بعد از گزارش سفیر سوئد در ایران در مورد همجنسگرایان، به تهران سفر میکند. سفیر سوئد در این گزارش به دولت نوشته بود که همجنسگرایان در ایران هیچ مشکلی ندارند و خود ایشان با چشم خودش دیده است که دست در دست هم در خیابانهای تهران راه میروند و حتی در مهمانی‌های سفیر هم شرکت کرده اند. این گزارش مورد قبول سازمان‌های فعال همجنسگرایان قرار نمیگیرد و در نتیجه این شخص خود به ایران سفر میکند و از نزدیک متوجه موقعیت اسفبار و خطرناک این گروه در ایران میشود. بهرحال خود این جلسه به نوعی افشاگری از حکومت ایران و جنایت‌های آن تبدیل گردید و این به نظر من با توجه به اینکه طیف وسیعی از حضار از سازمانهای دولتی و احزاب سوئدی بودند بسیار خوب بود. در مجموع میتوانم بگویم که این سه روز علیرغم اینکه بدلیل مریضی مسئول مربوطه میز کتاب نداشتیم ولی برگزاری یک سمینار و شرکت در بحث کارشناسی تجربه خوبی برای سازمان آزادی زن بود. امیدواریم که در سال آینده با آمادگی و اطلاعات بیشتری در این فستیوال شرکت کنیم.

از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com

ستم بر زن موقوف!



شهلا نوری

Shahla.n@bredband.net

زنگهای خطر را بصدا درآوریم!

بخش دوم

آموزش تمامی افراد جامعه به استفاده صحیح از کاندوم.

• تشویق افرادی که **سابقه رفتارهای خطرناک** داشته اند، به مراجعه داوطلبانه برای انجام آزمایش HIV همراه با معرفی آدرس کلینیک‌های محلی.

• از بین بردن تبعیض و بدنامی از افراد آلوده به ویروس HIV همچنین مبتلایان به بیماری ایدز و پذیرش آنان از سوی اجتماع مانند سایر بیماران.

• تهیه و در اختیار قرار دادن اطلاعات درباره جدیدترین پیشرفت‌های درمانی، دارویی و پزشکی در مورد HIV و ایدز به افراد آلوده به ویروس HIV خانواده آنها.

• تشویق افراد آلوده به ویروس HIV به مشارکت در کارها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی.

• اطلاعات و آگاهی‌های لازم جهت همزیستی با اشخاص آلوده به ویروس HIV و یا مبتلا به بیماری ایدز برای افرادی که در هر سطحی از جامعه با آنها در تماس هستند (همسر، بستگان، همکاران، پزشکان، مددکاران و...).

• جمع‌های آزادی زن درکنار اقدامات فردی باید سعی کنند با سازمان دادن اعتراضات خیابانی و فشار آوردن بر دولت و نهادهای دولتی، پیش از آنکه تجربه هند و آفریقا بر میلیونها جوان و کودک در ایران تحمیل شود، رژیم اسلامی را وادار به اقدامات مقتضی در زمینه پیشگیری، تشخیص و درمان این بیماری کنند.

اطلاعات در مورد راههای انتقال این ویروس و راههای پیشگیری از آلوده شدن به HIV و ابتلا به بیماری ایدز را در شماره بعدی خواهید خواند.

جمهوری اسلامی بیم آن میرود که میزان شروع ایدز در میان زندانیان به سرعت افزایش یابد و این معضل بر لزوم اقدامات درمانی فوری جهت مقابله با افزایش سریع ایدز در زندانها تاکید دوچندان میگذارد.

در کنار بی مسئولیتی رژیم اسلامی نقش سازمانهای غیر دولتی یا "ان جی او" های فعال در زمینه مبارزه با ایدز و شناسایی بیماران را نباید فراموش کرد. بسیاری از این سازمانها با تشکیل شبکه‌هایی برای ردیابی معتادان تزریقی و گروه‌های پر خطر جنسی، مبتلایان به ایدز را ردیابی کرده و در برخورد با بیماریها از سه روش مقابله ای استفاده میکنند: پیشگیری، تشخیص و درمان.

وظیفه جمع‌های آزادی زن ایجاب میکند تا در جمع‌های خود زمینه‌های بالا بردن دانش و اعتماد به نفس در جهت مذاکره با دیگران را با استفاده از مطالب زیر افزایش دهند.

موضوع آموزش!

• بالا بردن سطح دانش عمومی و ایجاد فرهنگ گفتگوی آزاد درباره انتقال و راههای پیشگیری از ویروس HIV.

• گسترش فرهنگ آموزش جنسی افراد در اجتماع و خانواده، به ویژه جوانان، به عنوان راهکاری برای مقابله با گسترش ویروس HIV و بیماری ایدز.

• ترویج فرهنگ برقراری رابطه **جنسی امن تر**، معرفی کاندوم به عنوان یکی از کارترین عوامل بازدارنده انتقال ویروس HIV و تشویق و

انتقال ایدز در میان برخی از جوانان وجود دارد. بطور مثال برخی از جوانان تصور می‌کنند ایدز تنها از طریق رابطه جنسی معمول قابل انتقال است و رابطه جنسی از طرق دیگر از جمله دهان‌خوری در بر ندارد و با توجه به حفظ پرده بکارت که رابطه جنسی کامل و معمول را نهدی میکند، اغلب جوانان در ابتدا به رابطه جنسی از طریق دهان روی می‌آورند که میتواند به همان میزان در انتقال این



ویروس خطرناک باشد. این در حالی است که به غلط گفته میشود ویروس اچ آی وی از طریق بزاق دهان سرایت نمیکند. (اطلاعات در مورد راههای انتقال این ویروس و راههای پیشگیری از آلوده شدن و ابتلا به بیماری ایدز را در شماره بعدی خواهید خواند).

در عین حال و با توجه به جمعیت انبوه چند صد هزار نفری زندانیان در سیاهچالهای

با توجه به این که بیش از شصت درصد موارد ابتلا به ایدز در میان معتادان تزریقی که با افراد مختلف رابطه جنسی دارند دیده می‌شود و در ضمن شیوع اعتیاد به مواد مخدر در ایران با رشد کم نظیری روبرو می‌باشد، میلیونها نفر در ایران در معرض خطر ابتلا به ویروس اچ آی وی قرار دارند. بر اساس گزارش اخیر سازمان ملل در مطالعه‌ای بر روی معتادان تزریقی در تهران، پانزده درصد آنها دارای اچ آی وی مثبت بوده اند و بیش از نیمی از آنها با وجود روابط جنسی فراوان هرگز از کاندوم استفاده نکرده بودند. با در نظر گرفتن اینکه ایران یکی از جوان‌ترین جمعیت‌های دنیا را دارد، آموزش جنسی و راههای مقابله با بیماریهای مقاربتی و داشتن رابطه جنسی بدون خطر به دلیل موانع ایدئولوژیکی موجود در رژیم جمهوری اسلامی، به درستی به نوجوانان و جوانان آموزش داده نمی‌شود. در صورتیکه امکان ابتلا به بیماری مذکور در سنین جوانی و به دلیل شر و شور نوجوانی میتواند بیشتر باشد.

آمارهای موجود حاکی از آن است که استفاده از کاندوم در میان جوانان در روابط جنسی‌شان کمتر معمول است و گفته میشود که مردان جوان برای برقراری روابط جنسی در سطح تهران و برخی از شهرهای بزرگ از آسان‌ترین راه موجود یعنی ارتباط جنسی با پدیده موسوم به "زن خیابانی و دختر فراری" استفاده میکنند که میزان ابتلا به بیماری را در بین هر دو طرف بیشتر میکند. گذشته از این موارد اطلاعات نادرستی در زمینه

آزادی، برابری و سوسیالیسم نیاز جامعه انسانی است

میز گرد

زیر نظر: شراره نوری



نشریه آزادی زن در نظر دارد با برپا کردن میزگردهای متعدد و بحث و تبادل نظر با جوانان، به بیان مشکلات و شرایط سختی که در جامعه ایران دارند بپردازد. سعی خواهیم کرد در این راستا به مسائل مختلفی بپردازیم تا طیف وسیعی از جامعه را طی یک سلسله میز گرد تحت پوشش قرار دهیم. از همه خوانندگان عزیز می خواهیم که پیشنهادهایشان را برای ایجاد بحث‌های جدید برای ما ارسال کنند و در بحث‌های جاری ما شرکت فعال داشته باشند.

دختری در مشهد و کشتن دختری بچه بلوچ، سرکوب و شکنجه دانشجویان مخصوصاً دانشجویان پلی تکنیک و بابلسر و حادثه میدان هفت تیر و سرکوب زنان نسبت داد. البته در حادثه میدان هفت تیر مقاومت زنان و مردان امید بخش و افتخار آمیز بود.

سمیرا مشایخی: یک بار که با سروش رفته بودیم بیرون به زن با چادر سیاه به من گفت که باید با او به پاسگاه برم اما پدر و مادر من مذهبی هستند و اگه می فهمیدن من با یک پسر، تازه با اون وضع لباس، بیرون بودم معلوم نبود چه بلایی سرم می‌اومد! نمی دونم چی شد که یک دفعه مرد پلیسی که اون طرف تر بود اومد به زنه گفت ایشون می تونن برن. باور نمی کنین انگاری دنیا رو بهم داده باشن. بعدا فهمیدم سروش به پلیسه رشوه داده تا منو نگیرن. البته اونا نمیدونستن ما هیچ نسبتی با هم نداریم وگرنه قیمت رو می ایستادن! **سایه مقدم:** شرایط محیط همراه با ترس و انزجار از حکومت و دولت و احساس پشیمانی در مورد کسانی که رای آنها، دولت حاضر را به وجود آورده و حالت ملامت در کسانی که رای ندادند. کلاً همه در وضع کنونی و نابسامانی بوجود آمده شاکي و متأسف هستند.

ادامه در صفحه ۶

کسانی که به اسم مخالفت با حکومت در بقای آن میکوشیدند حکومت (دستپاچه از شرایط به وجود آمده) به امید برقراری فضای اوایل انقلاب موج منسوب به اصولگرا را دوباره به قدرت رساند. در واقع چهره واقعی خود را به نمایش گذاشت و صلاح خود را در کشیدن شمشیر بر روی مردم و جنگ روبرو دید.

سایه مقدم: - زیرا هدف مبارزه با بد حجابی و ... نبوده و اینها بهانه‌ای برای ایجاد تشنج و ایجاد یک حالت حکومت نظامی و ترس بین جوانان بوده است تا آنها از فکر کردن به کارهای بزرگ مثل انقلاب یا مبارزه ترس داشته باشند.

3- سرکوب رژیم در اوایل تابستان امسال بسیار همه جانبه و وسیعتر و مقاومت مردم ناراضی از شرایط موجود هم شدیدتر بوده است. لطفاً گزارشی کوتاه از این شرایط در محیط زندگی خود (کار، خیابان، دانشگاه و مدرسه) برای خوانندگان ما بنویسید.

کامیار آزادمهر: گزارشات زیاد است و هر کسی در محیط خود بارها با این وقایع روبرو شده و خود نیز ممکن است یکی از قربانیان شرایط موجود باشد. اما دردناک ترین این وقایع را می توان به تجاوز نیروهای پلیس به

رژیم اسلامی هم در پی چنین تغییراتی است با این پیش فرض که مردم همان مردم دوران رضا خان اند! با این همه چندان هم فعالیتهای رژیم را بی تاثیر نمیبینم و آثار آن را در آینده‌ای نه چندان دور مشاهده میکنم. اصلاً به خاطر همین ما با کارهای این رژیم مخالفیم چون معتقدیم کارهایش روی آینده ما موثر است و ما این تاثیرات شوم را نمیخواهیم.

سمیرا مشایخی: مطمئناً بی تاثیر است چون به هر چیزی بیشتر فشار بیاوری مردم بیشتر به سمت آن جلب میشوند.

سایه مقدم (تهران): فکر مردم را از مسائل مهم اقتصادی و سیاسی کشور منحرف کند. تا افکار مردم به جهات دیگر منحرف نشود.

2- فکر می کنید چرا با اینکه این سرکوب‌ها عملاً نتیجه‌ای در راه تحکیم خط رژیم نداشته ولی پروژه همچنان ادامه دارد؟

کامیار آزادمهر: - رژیم ایران به شدت لومین و وحشی است و در سیاستهای خود تنها راه زور و سرکوب را میشناسد. میتوان این را به راحتی در سیاست خارجی حکومت نیز دید. از طرفی دیگر حکومت به پایان خود رسیده و خود از این موضوع به خوبی باخبر است. با به بن بست رسیدن جنبش اصلاحات و رو شدن دست

1- رژیم جمهوری اسلامی در طی 28 سال عمر خود مرتب و با تمام قوا و هر بار با طرح نقشه جدید، جوانان و زنان را به بهانه‌های مختلف از جمله بدحجابی، لباس نامناسب، شادی و غیره سرکوب کرده است. چرا؟

کامیار آزادمهر: همانطور که می دانید اساس حکومت های پلیسی و دیکتاتوری اعمال زور و سرکوب مردم میباشد. رژیم سعی دارد با تحقیر مردم و ایجاد رعب و وحشت در اذهان عمومی فضای جامعه را خفقان آور و محدود کند و با القای افکار مذهبی و راسیستی در ذهن افراد به حکومت دیکتاتوری خود مشروعیت داده و آزادیخواهان و مبارزان را انسانهایی منحرف و عاملان فساد معرفی کند. اگرچه در اوایل انقلاب با این ترفندها توانست فضای جامعه را ملتهب و به نفع خود وادار به خاموشی کند اما چندی است که دست حکومت برای مردم رو شده و این اعمال وحشیانه جز ایجاد خشم و نفرت بیشتر به عاملان خفقان چیز دیگری به بار نخواهد آورد.

سروش آزادی: بر خلاف اکثر دوستان به نظر من فعالیتهای رژیم در مورد یکسان سازی البسه چندان هم بی اثر نیست. نمونه آن را میتوانیم در تاریخ خودمان در زمان رضا شاه دیکتاتور ببینیم که مطمئناً دارای اثراتی در فرهنگ ما بوده است.

خشونت علیه زنان موقوف!

میز گرد

از صفحه ۵

شده ایم

سمیرا مشایخی: مردم روز به روز مقاوم تر میشن و اینا هم تا حدی می تونن فشار بیارن بالاخره مردم جواب دندان شکنی به اینا خواهند داد

سایه مقدم: بلی، زیرا رژیم در صدد محکمتر کردن پایه های دیکتاتوری میباشد و هم اینکه از آزادی نسبی مردم که در طی دوران دولت قبلی بدست آورده بودند در هراس است.

۵- فکر می کنید مقاومت و مبارزه در مقابل سرکوب به خاطر حجاب تنها دغدغه و مشکل زنان جامعه میباشد؟

کامیار آزادمهر: حکومت با سرکوب زنان می خواهد خفقان را به کل جامعه القا کند و مسلماً در جامعه ای که بخش وسیعی از جامعه زیر شکنجه و سرکوب هستند کل جامعه آزادی خود را از دست خواهد داد. و اگر بر فرض محال این موضوع صدق نمیکرد باز ساکت ماندن در مقابل کسانیکه زنان جامعه را مورد اذیت آزار قرار میدهند غیر انسانی و محکوم است.

سروش آزادی: به هیچ وجه. ما انسانیم و باید از حقوق مان دفاع کنیم.

سمیرا مشایخی: نه مرد ها هم می تون کمک کنن هیچ مانعی نداره

سایه مقدم: خیر، اصلاً دغدغه زنان جامعه حجاب نیست بلکه حجاب دغدغه مردان شده است.

۶- به طور خلاصه بگویید چه راه کاری می تواند امر مبارزه با جمهوری اسلامی را آسانتر، و عقب راندن رژیم را راحت تر کند؟

کامیار آزادمهر: نافرمانی عمومی در این قسمت از مبارزات، نقش مهمی بازی

۴- آیا فکر می کنید نوع مقاومت مردم اینبار با همیشه فرق داشته است؟ اگر جواب شما بلی است چه فرقی؟ و چرا این فرق وجود دارد؟

کامیار آزادمهر: مسلماً سرکوب امسال بسیار شدیدتر و همه جانبه بوده. همانطور که در جواب سوال دوم گفتیم رژیم به سیم آخر زده و شمشیر را از رو بسته. اعتراضات شدید و کم سابقه ماه مارس سال پیش که از اعتراضات زنان برای روز جهانی زن (۸مارس) شروع شد و به اعتراض و اعتصاب عمومی معلم های سراسر کشور پیوند خورد و حمایت دانشجویان سراسر کشور از این مبارزات و بالاخره روز جهانی کارگر و بسته شدن دهان مزدوران حکومتی که در بطن جنبش کارگری نفوذ کرده بودند به خوبی مردم را در مقابل حکومت قرار داد. حکومت نیز به خوبی پایان سلطنت خود را پیش بینی کرده و برای همین سعی میکند با سرکوب شدید و همه جانبه نه تنها آزادی خواهان را معدوم کند بلکه با ایجاد وحشت مردم را مجبور به خاموشی کند. رژیم با بیان اینکه جنبش زنان و دانشجویی پررو شده است و با اعلام انقلاب فرهنگی دوم عملاً نشان داد که میخواهد شرایط خفقان آور انقلاب ۵۷ را دوباره برقرار کند.

سروش آزادی: باید بگویم بله فرق کرده اما متأسفانه مقاومت کمتر شده. در دوم خرداد امیدهای زیادی برای آزادی وجود داشت به طوری که اگر رهبری به دست اصلاح طلب ها نیافتاده بود و به جایش انقلابیون این قدرت را داشتند که سر کردگی مردم را عهده دار شوند یک تحول اساسی را شاهد می بودیم اما حالا مردم ناامید شده اند چون نهضت شان شکست خورده. حتی گاهی این زمزمه به گوش میرسد که اصلاً از اول راه را اشتباه رفته ایم و ما باید زور بالای سرمان باشد و دیگر از این بی حجابی ها خسته

به راحتی نقشه های رژیم را خنثی کرد. دختران و پسران باید از آزادی خود دفاع کنند. نباید اختیار زندگی خود را به دست مزدوران بدهند. هرکجا که حکومت به کسی تعرض کرد با آنها مقابله کنند و شخص بازداشت شده را از چنگ حکومت بیرون بیاورند. حادثه میدان هفت تیر به خوبی عملی بودن این روش را نشان میدهد. البته این سیستمی که حکومت به اجرا گذاشته بارها از جانب مردم محکوم به شکست شده و این بار نیز به همین سرنوشت دچار خواهد شد اما باید روشی را به پیش گرفت که رژیم نتواند به این راحتی هربار شخصیت و شعور افراد جامعه را به زیر پا له کند. تا کی باید شاهد این همه توهین و تحقیر باشیم. قربانیان هرباره ای این طرحها کم نیست.

سروش آزادی: جلب مردم! این تنها راه است. اما برای جلب مردم باید زبان آنها را فهمید. مثلاً وقتی میخواهید از حقوق زن دفاع کنید نباید بگویید حکومت کثیف مرد سالار حقوق زن را پایمال می کند! چون در میان مردم انسانهایی وجود دارند که مرد اند. شما با این ادبیات وجهه مرد بودن او را تحریک کرده اید و مطمئناً در مقابل شما خواهد ایستاد و موضع دفاعی میگیرد و میگوید چرا به مردها توهین میکنی؟ اما اگر گفته شود ما همه انسانیم و باید دارای حقوق مساوی باشیم وجهه انسانی او به سمت جنبش جلب میشود.

سمیرا مشایخی: باید همه این رژیم رو تحریم کنیم. انتخابات، راهپیمایی ها و هر چیزی که رژیم برای تایید خود از طرف مردم نیاز دارد را باید کنار بگذاریم. ما باید متوجه باشیم که دیگر وقت انتخاب بین بد و بدتر نیست ما باید خوب را انتخاب کنیم که همان آزادی و برابری حقوق انسانها است

سایه مقدم: اتحاد احزاب و همسویی در جهت بر کناری رژیم از قدرت.



هنوز در زندان است!

از صفحه ۸

”من می گویم شهلا جاهد نباید بدست کسانی محاکمه شود که دستشان تا آرنج به خون هزاران انسان دیگر آلوده است. شهلا جاهد نباید اعدام شود. حتی محاکمه او هم در صلاحیت حکومتی که آدم کشی حرفه اصلی اش میباشد، نیست.“

سازمان آزادی زن، کمیته علییه اعدام و بسیاری دیگر از سازمانهای ایرانی و بین المللی مخالف با مجازات اعدام در طول چند سال گذشته کمپین ها و فعالیت های زیادی برای نجات جان شهلا و سایر محکومین به اعدام در ایران ترتیب داده اند. بطوری که حکومت ضد زن اسلامی بارها مجبور به عقب نشینی شده است. به این فعالیت ها باید ادامه دهیم.

شهلا جاهد هنوز در زندان است، او را فراموش نکنیم.

نشریه آزادی زن از نقد و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

نه به حجاب، نه به بی حقوقی زنان

دوستان گرامی

از شماره گذشته ستون اخبار را به مطالب نشریه اضافه کرده ایم. این موضوع مورد استقبال تعدادی از خوانندگان قرار گرفت. اخباری که در نشریه درج میشود را از بنگاههای خبری و نشریات معروف انتخاب میکنیم و سعی خواهیم کرد آنها را خلاصه کنیم تا دوستان در جریان چند خبر مهم قرار گیرند. دوستانی که برای ما خبر میفرستند باید حتما منبع خبر را نیز درج نمایند و توجه داشته باشند که ما نشریه خبری که هر روز منتشر میشود نیستیم و فقط به درج اخباری که جنایات جمهوری اسلامی را به ویژه نسبت به زنان، بیشتر نشان میدهد خواهیم پرداخت.

اخبار این هفته

خودسوزی و خودکشی دختران جوان

یک دختر 22 ساله به نام فرشته به دلیل اختلافات خانوادگی با به آتش کشیدن خود، به زندگی خویش پایان داد. نامبرده مدتی را در منزل پدر بسر برده بود و پس از مراجعه به منزل خودش، در روز 30 خرداد ماه خود را به آتش کشید و در اثر شدت جراحات ناشی از سوختگی شدید جان سپرد. فرشته جوان یک فرزند پسر 4 ساله نیز داشته است. (مقاله نسرین رضوانعلی در مورد خود سوزی دختران را در همین شماره خوانید).

خودکشی یک دختر در ارومیه

یک زن جوان 25 ساله به نام پروین فرزند ملا رحیم به دلیل اختلافات خانوادگی با شلیک گلوله به زندگی خویش پایان داد. گفته می شود این دختر که در خانواده ای مذهبی زندگی میکرد، به دلیل مخالفت خانواده با ازدواج با مرد مورد علاقه اش روز 29 خردادماه خود را کشته است.

پاشیدن اسید

خواستگار انتقامجو با شنیدن جواب منفی از پدر دختر به روی دختر مورد علاقه اش و دو دوست او اسید پاشید. روز حادثه دختر دانشجویی به نام مرضیه همراه با دو همکلاسی اش هنگام عبور از

از سوی خواستگار خود مورد حمله و اسیدپاشی قرار گرفت. در این حادثه دختر دانشجو از ناحیه صورت و دو دست او نیز از چند ناحیه دچار سوختگی شدند.

قتل دختر توسط پدر

اختلاف خانوادگی در کرمانشاه منجر به قتل دختری توسط پدر شد. روز پنجشنبه 21 ژوئن ماموران کلانتری کرمانشاه از وقوع یک فقره قتل مطلع شدند و با راهنمایی پدر مقتول به داخل منزل رفتند و مشاهده کردند که جسد دختر 21ساله یی به نام فریبا با وضعیت سر و صورت خونی توسط یک قواره چادر مشکی پوشیده است. پدر فریبا خود را قاتل معرفی کرد و گفت، با دختر جوانش بر اثر اختلاف خانوادگی (؟) درگیر شده و با آچار فرانسه ضرباتی بر سر وی وارد کرده سپس گلولی او را نیز فشار داده و او را خفه کرده است.

کشف جسد زن جوان در سقز

جسد یک زن جوان حدودا 25 ساله اخیرا در یکی از محلات دور افتاده شهر سقز کشف شده است. هویت این زن جوان تا کنون مشخص نشده. گفته میشود آثار ضرب و شتم و خفگی بر گردن جسد هویدا بوده و احتمالا این زن به قتل رسیده است. جسد زن در سردخانه سقز نگهداری میشود.

میلیونها کودک کار در ایران بحال خود رها شده اند

یکی از اعضای هیات موسس شبکه یاری کودکان کارگر و خیابانی گفت، نهاد ملی حمایت از

حقوق کودک در ایران وجود ندارد و میلیونها کودک کارگر بدون حمایت دولت بحال خود رها شده اند. وی اظهار داشت، از آنجایی که کار کودکان زیر 15 سال غیرقانونی است هیچ نهادی به کار این بچهها نظارت نکرده و حمایتی هم از آنها صورت نمیپذیرد.

2.256 تن بدحجاب به دادگاه ارجاع شدند

جانشین فرمانده نیروی انتظامی در رابطه با عملکرد گشت‌های ارشاد گفت، از ابتدای اجرای طرح تا کنون به 527.255 تن از افراد بد حجاب تذکر داده شد، 20.363 تن با اخذ تعهد آزاد و دو هزار و 2.256 تن هم به دادگاه معرفی شدند.

واکنش بین المللی به خبر سنگسار احتمالی در ایران

در هفته گذشته گزارشهای در مورد اجرای قریب الوقوع حکم سنگسار یک زن و مرد ایرانی انتقاد سازمانهای مدافع حقوق بشر را برانگیخت سازمان دیده بان حقوق بشر و همچنین عفو بین الملل خواهان توقف فوری اجرای حکم سنگسار در روز 21 ژوئن شدند. یکی از مقامات قوه قضائیه پس از اعتراضات بین‌المللی اعلام کرد که "حکم سنگسار تایید شده‌ای وجود ندارد" اما روز قبل از آن خبرگزاری فارس گزارش داده بود که، "در پی صدور حکم سنگسار برای دو متهم در تاکستان، برنامه‌های لازم جهت اجرای این حکم تدارک دیده شده است."

نگرانی فرانسه از وضعیت مهرنوش سلوکی

وزارت امور خارجه فرانسه روز جمعه ۲۲ ژوئن از توقیف گذرنامه مهرنوش سلوکی کارگردان ایرانی - فرانسوی، و عدم امکان خروج وی از ایران، ابراز نگرانی کرد. مهرنوش در دسامبر ۲۰۰۶ برای تهیه یک فیلم مستند به ایران سفر کرد. وی در ماه فوریه دستگیر و در ماه مارس از زندان آزاد شد ولی دولت ایران فیلم و گذرنامه وی را توقیف کرد.

در ماه های اخیر، هاله اسفندیاری و کیان تاجبخش، هر دو از پژوهشگران سرشناس ایرانی - آمریکایی و علمی شاکری از فعالان انجمن های صلح طلب کالیفرنیا، در تهران با اتهام "جاسوسی" بازداشت شدند. همزمان نازی عظیمی، خبرنگار رادیو فردا که برای دیدار با خانواده خود به تهران رفته بود، به دلیل توقیف شدن گذرنامه اش نمیتواند ایران را ترک کند.

خبرگزاری های کانادا نیز در مورد وضعیت خانم سلوکی کارگردان ساکن مونترال کانادا ابراز نگرانی کردند و یادآور شدند که زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار ایرانی - کانادایی ۴ سال پیش در زندان اوین مورد ضرب و شتم قرار گرفت و جان باخت.

آخرین وضعیت پرونده معلمان معترض

بسیاری از معلمان بازداشت شده در ماههای اخیر و همچنین معلمان شرکت کننده در اعتراضات صنفی با فشارهای مختلف قضایی، امنیتی و شغلی مواجه هستند. دادگاه انقلاب هفته

ادامه در صفحه ۸

نه به نابرابری حقوق زن و مرد!

هنوز در زندان است!

شهلا جاهد هنوز در زندان است



و دزدی از خانه او شد. محاکمات شهلا در ایران بسیار جنجال برانگیز شد. دادگاه ضد انسانی جمهوری اسلامی در چند مرحله، شهلا جاهد را قاتل شناخت، اما وکیل او کماکان اعلام میکند که شواهد و مستندات حاکمی از بیگناه بودن موکلش دارد. در یک نظر سنجی که در اواخر سال ۲۰۰۵ توسط روزنامه اعتماد انجام گرفته بود ۹۰ درصد مردم خواهان لغو حکم اعدام شهلا جاهد و محاکمه عاملین اصلی این شرایط و عوامل اصلی سوق دهنده مردم به موقعیت اسفناک این چینی شدند. در این رابطه دانی مقتول در نامه‌ای سرگشاده نوشت، "قاتل اصلی لاله دولتی است که خود بیش از صد هزار انسان را تیرباران کرده است.

ادامه در صفحه ۶

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیاران سردبیر

نیاز قاندى
اسماعیل اوجی

شهلا جاهد زن ۳۸ ساله‌ای است که اکنون بیش از ۴/۵ سال است که در زندان به انتظار طناب دار نشسته است. شهلا زنی تحصیل کرده، شاعر و هنرمند بود. او در گوشه زندان اوین خواهان تعیین تکلیف پرونده خود است. او معتقد است که بلا تکلیفی و روز و شب را به فکر طناب دار بودن، از زندانیان جز ارواحی سرگردان برجای نمیگذارد. زندانیانی که سالهای سال با کابوس طناب دار و مرگ دست و پنجه نرم میکنند، شوق به زندگی را کاملاً از دست داده و نه تنها جسم آنها بلکه روح و روان آنها نیز آسیب میبیند. لاله سحرخیزان همسر ۳۲ ساله ناصر محمدخانی بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران در هفدهم مهر ۱۳۸۱ در خانه خود و در حالی که همسرش همراه با تیم پرسپولیس در آلمان به سر میرد و فرزندانش در مدرسه بودند با ضربات چاقو به قتل رسید و اموالش به سرقت برده شد. پلیس در مراحل تحقیق در مورد پرونده به ارتباط پنهان میان ناصر محمدخانی و شهلا جاهد پی برد و دست به بازداشت او زد.

شهلا جاهد در مراحل بازجویی نزد پلیس خود را همسر صیغه ای ناصر محمدخانی معرفی و به قتل همسر عقدی او اعتراف کرد اما سپس در دادگاه اعلام کرد که اعترافات وی در اثر شکنجه و فشار شدید پلیس به عمل آمده و فاقد اعتبار است و منکر قتل لاله

مجامع بین المللی به خاطر نقض شدید حقوق بشر یاد شده، مورد شکنجه و برخورد غیر انسانی قرار گرفته بود.

دادگاه حقوق بشر اروپا روز ۲۳ ژوئن رای داد که دولت روسیه به خاطر شکنجه این فعال حقوق بشر، سلب آزادی بیان، تعرض و نقض حقوق انسانی، محکوم شده است.

ملکه های تهران

ربیعہ اوزدن از زنان اسلامگرای ترکیه، پس از سفر به ایران مشاهدات خود را در کتابی به نام "ملکه های تهران" به رشته تحریر در آورده است. مشاهدات و نوشته‌های ربیعہ بیشتر در مورد وضع اسف‌بار زنان خیابانی و صیغه در تهران است. ربیعہ در بخشی از کتاب خود می نویسد، "جوانان ایرانی در پارتی‌ها و مناسبت‌های مختلف، مشروبات الکلی را مثل آب مصرف می کنند". او می نویسد شخصاً مشاهده کرده است که زنان و مردان ایرانی در این پارتی‌ها به شیوه هالیوودی، عشق بازی کرده‌اند.

ادامه

اخبار این هفته

از صفحه ۷

گذشته اقدام به صدور وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی برای خاکساری مدیر مسئول نشریه صدای معلم کرد. این در حالی است که تریا دارایی همسر وی که او نیز معلم است در جریان اعتراضات صنفی معلمان در ۱۸ اردیبهست ماه بازداشت و با قید وثیقه آزاد است.

دولت روسیه یک فعال زن حقوق بشر را زیر شکنجه به قتل رساند

یک زن چینی ۵۹ ساله در ماه مه سال ۲۰۰۳ به همراه سه تن از افراد خانواده اش در خانه مسکونی خود به قتل رسید. دختر وی با متهم کردن دولت روسیه به کشتن این مدافع حقوق بشر، به دادگاه استراسبورگ شکایت نمود. بر اساس شواهد و مدارک زورا بی‌تفاوت، به خاطر فعالیتهای ضد جنگی که داشته، به دست مقامات انتظامی (روسی) چچن به قتل رسیده است. وی در یکی از زندانهای چچن که بارها از آن



آدرس مرکزی سازمان آزادی زن جهت ارسال نشریات و اطلاعیه‌ها
azadizan@gmail.com

آدرس ایمیل خود و دوستانی که مایل هستند را برای ما بفرستید تا نشریات و اطلاعیه‌های سازمان آزادی زن را به طور منظم برایتان ارسال کنیم

عضو گروه اینترنتی سازمان آزادی زن شوید
azadizan-subscribe@yahoogroups.com

با عضویت در این گروه علاوه بر دریافت اطلاعیه‌ها و نشریات در بحث‌های جاری این گروه نیز شرکت کنید یا خودتان بحث‌های مورد نظرتان را با سایرین مطرح کنید و از نظرات دیگران آگاه شوید با ارسال یک ایمیل به:

azadizan-subscribe@yahoogroups.com
عضو گروه اینترنتی سازمان آزادی زن شوید